



Antoin Khan Sevreguin: Disturbed Photos and Negatives

Ahmad Chaychi Amirkhiz*¹

1. Assistant Professor, Archaeology Research Center, Iranian Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Received 2022/04/21 | Accepted 2022/08/22

Abstract

Antoine Sevreguin is one of the most famous and influential ancient photographers of Iran. The photographs attributed to him are used not only in the field of art history but also in other multi-disciplinary studies. Unfortunately, most of the artistic masterpieces attributed to him are in collections and museums have not correct information and the history of photography. His studio was set on fire during the constitutional conflict, and the rest of his photographs were confiscated and later returned in small numbers. Some of the photos of his collection have been seen also in other collections like Dmitri Ermakov collection in Georgia National Museum. This article, which has been prepared using comparative studies, photographs of collections, museums, studies of cultural objects and historical archeological methods, shows that at times his photography studio was a cultural and commercial agency and by sharing his photographs and negatives, and other photographers or re-photographers of various subjects have served Orientalists and Iranologists and various institutions. An example of this cooperation that has been done with a joint program is the preparation of government and non-government picture postcards, which were known as "Varage Posti" in the Qajar period. This Studio cooperation continued in line with other cultural activities from the constitutional period to the end of the Qajar dynasty.

Keywords: Antoin Sevreguin, Photography, Qajar, Iran

Copyright © 2020-2021 Journal of Studies of Cultural Heritage Documents. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Chaychi Amirkhiz, A. (2022). Antoin Khan Sevreguin: Disturbed Photos and Negatives. *Cultural Heritage Records Studies*, 3(2), 168-195.

Corresponding Author: Ahmad Chaychi Amirkhiz, Assistant Professor, Archaeology Research Center, Iranian Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran Email: a.chaychi@richt.ir



آنتوان خان سوروگین: عکس‌ها و شیشه‌های آشفته

احمد چایچی امیرخیز^{۱*}

۱- استادیار، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳۱

چکیده

آنتوان خان یکی از مشهورترین و تاثیرگذارترین عکاسان قدیم ایران است. عکس‌هایی که به او نسبت داده شده‌اند نه فقط در زمینه تاریخ هنر، بلکه در دیگر مطالعات میان رشته‌ای نیز کاربرد دارند شوربخانه بیشتر شاهکارهای هنری متناسب به او که در مجموعه‌ها و موزه‌های بزرگ دنیا پراکنده شده فاقد اطلاعات دقیق و تاریخی عکاسی است. این آشفته‌گی در مواردی درستی نتایج مطالعات پژوهشگران عکس را تحت تاثیر قرار داده است. عکاسخانه او در زمان درگیری‌های دوران مشروطه آتش گرفت و باقیمانده عکس‌های او مصادره و بعدها نیز تعداد کمتری از آنها بازگردانده شد. با وجود از میان رفتن بیشتر نگاتیوها و عکس‌های سوروگین می‌توان نمونه عکس‌های مجموعه او را نزد عکاسان دیگری مانند دیمیتری یرماکف که دارای مشخصات نوشتاری کامل تریست مشاهده کرد. این مقاله که با استفاده از مطالعات تطبیقی، عکس‌های مجموعه‌ها، موزه‌ها، مطالعات اشیای فرهنگی و روش باستان‌شناسی تاریخی تهیه شده است نشان می‌دهد که در برهه‌هایی عکاسخانه او به صورت بنگاهی فرهنگی و تجاری و با اشتراک گذاشتن عکس‌ها و نگاتیوهایش و دیگر عکاسان و یا عکاسی دوباره موضوعات مختلف به شرق‌شناسان و ایران‌شناسان و موسسات مختلف خدمت‌رسانی می‌کرده است. نمونه این همکاری که با یک برنامه مشترک صورت گرفته است، تهیه کارت پستال‌های مصور دولتی و غیر دولتی است که در دوره قاجار به ورقه‌های پستی مشهور بودند. این همکاری‌ها در راستای دیگر اقدامات فرهنگی از دوران مشروطه تا پایان سلسله قاجار ادامه داشته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که سوروگین شیشه‌ها و آلبوم‌هایی از عکاسان دیگر در مجموعه خود گردآوری کرده است.

واژه‌های کلیدی: آنتوان سوروگین، عکاسی، قاجار، ایران

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

چایچی امیرخیز، احمد (۱۴۰۱). آنتوان خان سوروگین: عکس‌ها و شیشه‌های آشفته. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۳(۲)، ۱۶۸-۱۹۵.



* نویسنده مسئول: احمد چایچی امیرخیز، گروه پژوهشی اشیای فرهنگی تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران. پست الکترونیک: a.chaychi@richt.ir

مقدمه

در خصوص آنتوان خان مطالب فراوانی گفته شده است. با وجود کثرت مطالب منتشر شده بسیاری از نکات زندگی و کارهای او تاکنون در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. شناخت بهتر زندگانی سوروگین می‌تواند به بهتر دانستن و حل مشکلات پژوهش در سیر تحول تاریخچه عکاسی و پیشگامان عکاسی در ایران یاری رساند.

عده‌ای همانند فورمان تاریخ تولدش را در حدود سال ۱۸۴۰ میلادی در سفارت روسیه در تهران دانسته‌اند بر این اساس او سال‌های اولیه زندگی خود را در ایران به سر برده است (فورمان ۱۳۷۹، ص. ۹). اما اکنون با توجه به تاریخی که روی سنگ قبر او حک شده است می‌دانیم تاریخ تولدش پیش از سال ۱۸۵۱ میلادی نبوده است (تصاویر ۷-۹). احتمالاً این تاریخ در دفتر مشخصات کلیسای ارتدکس دولاب نیز ثبت شده است. خانم شایویلر که تحقیقات وسیعی بر جزئیات زندگانی او انجام داده است، تاریخ زندگانی و مرگش را ۱۹۳۳-۱۸۵۱ میلادی تعیین کرده و ملیت واسیلی سوروگین پدر آنتوان، تبعه روس و کارمند سفارت روسیه تزاری در تهران را در ارتباط با آذربایجان پس از عهدنامه ترکمانچای مورد بحث و بررسی قرار داده است و تصویر گزارشی از وزارت امور خارجه روسیه را در مورد شغل او در این وزارتخانه و سفارت روسیه در ایران در سال ۱۸۴۹ ارایه داده است (Scheiwiller, 2018). مادر آنتوان خان احتمالاً از اهالی ارمنی‌الاصل تفلیس بوده است و هیچ مدرکی در مورد روسی و گرجی‌الاصل بودنش وجود ندارد. آنتوان گرچه مقداری از سال‌های عمر خود را در شهر تفلیس گذراند با این حال بیشتر عمر او در زادگاهش ایران گذشت و شدت علاقه او به ایران بیشتر او را متمایل به ایران کرد. به هر حال ارتباطات قفقازی او در تغییر عنوان‌های عکاسی او بی‌تاثیر نبوده است؛ بدین ترتیب که او عنوان عکاس روس را از پشت عکس‌های قدیمی‌اش برداشته و در نهایت عنوان آنتوان خان را جایگزین می‌نماید. چنین ادعا شده است که در حدود سال ۱۸۷۰ میلادی آنتوان سوروگین و برادرانش

کولیا (Kolia) و امانوئل همراه یک کاروان بزرگ به ایران آمدند و در شهر تبریز سکنی گزیده‌اند. پس از مدتی به تهران آمده و در خیابان علاءالدوله یا فردوسی امروزی در نزدیکی درب میدان مشق استودیو عکاسی گشودند. کارهای هنری آن را برادران و کارهای تجاری را خودش بر عهده گرفته است (Scheiwiller, 2018).

افتتاح نخستین استودیوی او را مابین سال‌های ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۰ دانسته‌اند که درست به نظر نمی‌رسد. اگر سال تولد سوروگین را سال ۱۸۵۱ میلادی تصور کنیم، این سوال پیش می‌آید که او در چه زمان و مکانی عکاسی را از یرماکف در تفلیس آموخته است؟ آیا ممکن است که در سن ۱۵ سالگی استادکار شده و همراه با برادرانش به شهر تبریز مهاجرت کرده باشد؟ یعنی هنگامی که یرماکف در سنین جوانی اولین استودیوی خود را در شهر تفلیس گشود سوروگین شاگرد او شد؟ و طی چهار سال استادکار و عکاسی برجسته شده است؟ به نظر می‌رسد شروع ارتباط یرماکف با سوروگین مربوط به هفتمین یا هشتمین دهه قرن نوزدهم میلادی باشد. به هرروی سوروگین کار خود را به‌عنوان عکاس از شهر تبریز آغاز نمود و شاید به همین جهت است که مورد علاقه دربار ولایتعهد قاجار مظفرالدین میرزا قرار گرفت و به‌عنوان عکاس مخصوص ولیعهد مشغول به کار شده و اولین استودیو عکاسی خود را در آنجا گشود. سوروگین در سال ۱۲۹۵ هجری قمری مصادف با ۱۸۷۸ میلادی در شهر تبریز نسخه‌ای از رساله عکاسی لیبر (Liebert) عکاس مشهور فرانسوی را از زبان فرانسه ترجمه و به مظفرالدین میرزا تقدیم کرد (ذکاء ۱۳۷۹، ص. ۱۳۶). گفته شده آنتوان خان در شهر تبریز از مظفرالدین میرزای ولیعهد لقب خانی گرفت و در حلقه اطرافیان او قرار گرفته عکاس مخصوص او شد. در آن هنگام رسم دربار قاجار این بود که اطرافیان ولیعهد در تبریز به سر می‌بردند و اجازه حضور در تهران نداشتند مگر آنکه توسط شاه به تهران احضار



خریده شد. بعد رفتیم عکاسخانه؛ عکاس باشی، خان پرود، اسباب چرخ‌الماس و شیشه‌های الوان در اطاق تاریک حاضر کرده بودند، قدری برق به شیشه‌ها زد تماشا کردم. سیاچی، محمدعلی‌خان، عرفانچی بودند. بعد رفتیم اندرون، عکس‌ها را بدور انداختیم. شب بعد از شام خوابیدم....

سفر مازندران سال ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۳ - عکاس باشی هم اسباب عکس را آورده بود، عکس صحرا و غیره که پُر برف بود می‌انداخت. من امروز خیلی کج خلق بودم. در بین ناهار خوردن، باقر آدم میرشکار آمد گفت شکار هست. ما برخاسته، سوار کالسکه شده رانیدیم از دره ده بابا علی‌خان. تیمور میرزا، سلیمان‌خان افشار، رحمت‌الله‌خان، قوشچی‌ها و غیره همه بودند. محمد رحیم‌خان زند.

سفر خراسان ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۴ هجری قمری
- عکاس باشی رفته بود آرادان عکس قلعه آنجا را بیندازد،

- امروز عریضه از علی‌رضا خان رسیده بود، عکس خودش را که صارم‌الدوله در کرمانشاهان انداخته است برای محمد علی‌خان فرستاده بود.
- عکاس باشی عکس عمارت را انداخت.

- امروز سپه‌سالار و غیره نشسته بودند صورت منازل مراجعت را معین می‌کردند. عکاس باشی عکس حاجی ملاهادی را انداخته بود، تعریف می‌کرد که خودش و مردم وحشت داشتند از اسباب عکس. خلاصه غروب شد، قرق شد.

- عکاس باشی عکس خان و غیره را انداخته بود.
لهجه محمد رضا خان به شجاع‌الدین خان مرحوم شبیه است.

می‌شدند. لقب خانی هم مختص شاه بود و رسم نبود ولیعهد آن را به کسی اعطا کند.

روش پژوهش

پژوهش در این مقاله به صورت مطالعه مجموعه عکس‌های منتسب به سوروگین در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی به‌عنوان اشیای فرهنگی و کتابخانه‌ای به روش باستان‌شناسی تاریخی است و آن ارتباط دادن متن با عکس و بازسازی اطلاعات تاریخی مفقود بوده است. نتایج این مطالعات در بعضی مواقع مغایر با متون در دسترس است.

اسناد کاخ گلستان

در یادداشت‌ها و خاطرات روزانه ناصرالدین شاه که برخی از آنها بدون تاریخ هستند اشارات و متن‌های مختلف و گاهی مفصل در خصوص عکاسی وجود دارد که در تعدادی از آنها به عکاس و تاریخچه عکاسی نیز اشاره شده است. این نوشته‌ها نسبتاً دقیق است و در زیر تنها نمونه‌هایی از آن آورده می‌شود:

- بعد از نماز قدری گشتم. موجهول خان عکس‌هایی که انداخته بودم به روی کاغذ می‌انداخت. علی‌رضا خان و غیره همه بودند. میرآخور پایش درد می‌کند. بعد رفتیم تکیه؛ اول رفتیم بالاخانه‌های زن‌های دست چپ. حاجی یوسف در را باز کرده، رفتیم. تاج‌الدوله، شمس‌الدوله، زبیده و غیره، کلثوم و سایر این سمت بودند. باقری و غیره. قدری گشتم، آمده نشستیم.....

- تعزیه آمد؛ حجت‌الوداع بود، خیلی گریه شد؛ من هم زیاد گریستم. صغرا خوب خواند. امام‌خوان دامغانی قدیم دهن کج امروز پیغمبر شده بود، به همان لهجه و طور قدیم می‌خواند. دو ساعت به غروب مانده تعزیه تمام شد. رفتیم باغ قدری گشتم. ملک‌منصور آمد. قوطی نقره انفیه که بعد از باز کردن الفیه شلفیه مینا داشت آورد. مال حاجی ابوالفتح بوده است، پنجاه تومان

- عصری دو سه شیشه عکس انداختم بالای مهتابی؛ موجول خان [اول] عکاس باشی بودند.

سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ هجری قمری

مدتی این‌ها را تماشا کردیم و بعد رفتیم بیرون. در این چند روز تکیه، یکی دو مرتبه هم از بالا عکس تکیه را انداختیم.

دیروز عصر، سه ساعت به غروب مانده، با پیشخدمت‌ها، توی باغ می‌گشتیم. گفتیم خوب است برویم بالای بام تکیه، هم تعمیرات آن‌جا را که تازه کرده‌اند ببینیم و هم چند شیشه عکس اطراف شهر را بیندازیم. امین‌السلطنه، آقامیرزا محمدخان و سایر پیشخدمت‌ها هم همراه بودند. امین‌السلطنه خیلی می‌ترسید از پله‌ها بالا بیاید. آغامحمدخان هم خودش را از عقب رساند. رفتیم بالا، چند شیشه عکس اطراف شهر را انداختیم. یک شیشه هم عکس باغ دیوانخانه را از بالا انداختیم، خیلی خوب شده بود.

- بعد دادیم عکس خانه‌ی حاجی‌عمو را هم انداختند، خانه‌اش خیلی خراب بود.

سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ هجری قمری

حسین‌خان چرتی را با عکاس و عارف‌خان فرستادیم به خره، که بروند عکس ستون‌هایی که آنجا است بیندازند و عکس ده و باغات آنجا را بردارند. عارف‌خان، استخوان کله‌ی مرده‌ای را برداشته بود.

- یک سنگ قبری آقاداتی پیدا کرده بود آورد؛ خط کوفی نوشته بود. حاجی‌آقا پسر حاجی‌آقا اسماعیل، با ذغال روی خطوطش را سیاه کرد و از روی آن نوشت. همین قدر معلوم شد، ستین اربع ماء که چهارصد و شصت سال بعد از هجرت بود. عکسی هم عکاس از سنگ انداخت، ما هم عکس انداختیم

سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ هجری قمری

- بعد آمدیم از دور عمارت صدراعظم رفتیم، از راه پله و رفتیم توی عمارت. خیلی مبل‌های نجیب خوب دارد این عمارت. از آن پارچه‌های گل‌دوزی کار چین، که از فرنگ صدراعظم در اکسپوزیسیون خریده بود، به دیوارها نصب کرده بود و چسبانده بود؛ خیلی خوب بود. دیگر روی میزها آلبوم‌های عکس، اسباب‌های خوب، صندلی‌های خوب، خیلی اسباب‌های خوبی داشت.

بعد رفتیم توی دیوانخانه؛ دیگر اندرون هم نرفتیم. قدری عکس اندرون انداخته بودیم، با آغامحمدخان نشستیم و عکس‌ها را چسبانیدیم. بعد شام را هم بیرون خوردیم. اعتمادالسلطنه بود، روزنامه خواند. عزیزالسلطان بود، پیشخدمت‌ها بودند.

بعد از سلام آمدیم پائین، دو-سه عکس ما را تنها انداختند و یک گروه هم از صاحب‌منصبها و نایب‌السلطنه انداختند. بعد آمدیم جلوی حوضخانه. آغامحمدخان بود. گفتیم آقا را سواره آوردند با آدم‌هایش عکس انداختند.

تا حاجی‌حیدر آمد ریش تراشید و چند شیشه عکس از زنها انداختیم، چهار ساعت از دسته گذشت.

بعد از ناهار رفتیم بیرون قدری گردش کردیم. خیال داشتیم چند شیشه عکس بیندازیم. دیدیم امین‌اقدس و اینها هم رسیدند. رفتیم پیش امین‌اقدس، عکاس چند شیشه عکس انداخت.

دیدیم بلی، اردو خیلی قشنگ افتاده است و تماشا دارد. با این که نیم‌ساعت بیشتر به غروب مانده بود، فرستادیم عکاس را آوردند، دو شیشه عکس از اردو انداخت.

-یک گوساله زرد قشنگی را عزیزالسلطان گرفته بود آورد پیش ما، خیلی قشنگ بود. دادیم عکاس عکسش را انداخت.



عکس ما را هم انداخت. گفتیم بماند عکس حرم را هم بیندازد.

امروز صبح آقاداتی عرض کرد، دیوانه‌ای روی سنگ نشسته و سنگ می‌اندازد. فرستادیم او را آوردند؛ مرد بلند قد سیاه چرده بامزه‌ای بود. قدری با او صحبت کردیم. بعد گفتیم عکس او را انداختند ببرند در ده شهرستانک، تا ما این جا هستیم نگاهش دارند، بعد ول کنند برود.

امروز در اندرون آتش رشته می‌پزند. گویا در چهارشنبه آخر صفر معمول است، همیشه می‌پزند. چند شیشه عکس انداختیم. عکس باشی را همانطور که در رختخواب خوابیده بود انداختیم. عکس دیگ آتش را انداختیم.

صبح برخاستیم و چند شیشه عکس اندرون انداختیم.

-عزیزالسلطان سوار شد رفت کوه. من کسل بودم. عکس شکار دیروزی را خودم انداختم.

-آقا خیلی گلهای خوب امسال آورده است، تماشا دارد. چند جور هم عکس انداختیم.

-پیشخدمت‌ها و اینها هم جمع بودند. عزیزالسلطان بود. عبدالله میرزای عکاس هم عکس ما و اینها را می‌انداخت.

-دادیم عبدالله میرزا، همینطور که آب از سر و رویشان می‌ریخت عکس شیخ شیپور و دیوانه را انداخت.

مگه چین هم سرازیر شده بود توی دره گردخلیل که آقاییوسف عکاس باشی و آقامردک و قهوه‌چی باشی و امیرخان، برادرزاده شجاع‌السلطنه و اینها عقبش کرده بودند که بگیرند.

-شیشه است به آرتیمان که در توسرکان است. به عکاس گفتیم آمد عکس این ده را انداخت.

-.....آمدیم نشدستیم روی صندلی و حضرات هم آمدند و نشستند و بنا کردند به سبزی و بادمجان و کدو و غیره پاک کردن. عکس زیادی از اطراف می‌انداختند. بعد همین‌طور صحبت‌کنان با صدراعظم رفتیم تا قصرسفید. صدراعظم جائیده است و صدایش پاک گرفته بود. ناهار را در اطاق عکس قصرسفید خوردیم.

-روزنامه امروز را برای این می‌نویسیم که میرزاعلی حکیم که زخم خورده بود، صبح پیش از ناهار که در اطاق عکس قصرسفید بودیم،

قدری چشم ما را شست و دوا زد و توی چمن گفتیم عکسی انداختند از کالچوسکی و اینها.

-آمدیم اندرون؛ دیدیم اینجا درختی چیزی نینداخته است، اما به قدری زیبل و برگ و اینها زمین ریخته است، که نمی‌شود راه رفت. اما در عمارت خوابگاه را دیدیم به هم زده است، شیشه زیادی شکسته. قاب عکس‌ها را ریخته است به زمین و شکسته است.

امروز خبر آوردند که در امیریه هم خرابی غریبی از باد وارد آمده است. ثلث شیروانی آهن امیریه را باد کنده و طوری دور انداخته است که معلوم نیست کجا انداخته است. سه - چهار تا چهل چراغ شکسته است و آن قاب‌های بزرگ عکس و صورت همه را به زمین ریخته است.

خیلی هوای خوبی بود. چند شیشه عکس در اندرون انداختیم

میرزاعبدالله خان و حسین خان چرتی و عکاس اینجا بودند. عکاس عکس می‌انداخت. گفتیم بارک الله،

۱۳۱۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری

- بعد آمدیم اطاق برلیان، قدری کار داشتیم کردیم. با امین‌الملک قدری کاغذ خواندیم؛ بعد رفتیم اندرون، اسباب عکس را بردیم اندرون، جهازها را که توی حیاط چیده بودند عکس انداختیم.

بعد رفتم گالری، از آنجا رفتم اطاق عکس آفتاب روی قصر ایض.

- آمدیم بیرون، قبل از این که بیرون بیائیم، دیدیم وضع سینه زدن کنیزها و بچه، قابل است که عکس برداریم، فرستادیم اسباب عکس آوردند؛ برای یادگار خودمان، شش شیشه عکس برداشتیم.

- روی برفها زیر این آبشار. یادگار زیادی نوشته‌اند. یادگار دکترو همین صدراعظم هم یادگار نوشته است، اما ترشح آب نمی‌گذاشت که درست یادگارها را ببینیم. بعد عکاس آمد، عکس آبشار و عکس ما را انداخت. صدراعظم هم رسید، عکس صدراعظم را هم انداختند. - عبدالله میرزای عکاس این سفر با عزیزالسلطان است؛ در ایل و اشم عکس ما را انداخت.

ناهاری خوردیم، صبح عکس قوچ را خودم انداختم.

- شاهزاده، عکاس نایب‌السلطنه، قوم و خویش حاجی بهاء‌الدوله؛ دم منزل عزیزالسلطان آمد، عکس ما را انداخت و بعد سوار شدیم.

بعد رفتیم اطاق عکس عمارت قصر سفید، ناهاری خوردیم.

چند شیشه عکس انداختیم توی چادر، بعد توی حیاط باز چند شیشه عکس انداختیم. حیاط باشی عکس انداختیم. به قدر نه ۹ شیشه عکس انداختیم، بعد آمدیم توی چادر، روی صندلی نشستیم و مردم آمدند.

خلاصه، رفتیم حمام. عباس غلام‌بچه با حاجی حیدر لخت شده بودند. سر او اتنی شسته، آمدیم بیرون؛ می‌خواستیم بعضی زنها را عکس بیندازیم، هوای حیاط سرد بود و اطاقی بود که توی اطاق روشن بود؛ رفتیم آنجا. عکس خانم‌باشی و همشیره‌های خانم‌باشی را انداختیم؛ باید به قاعده خوب شده باشد. - وقتی از اطاق پائین آمدیم، این دفعه جمعیت غریبی دیدیم که زهره‌ی آدم می‌رفت. عکاس‌ها عکس می‌انداختند

سال ۱۳۱۳ هجری قمری تا ترور ناصرالدین شاه قاجار

- رضاعلی و ابوالحسن را اینجا دیدیم؛ همان جور که همیشه دیده بودیم بی‌عیب. الحمدلله خیلی خوب بودند. چند شیشه عکس ما را عکاس انداخت. عکس ابوالحسن و رضاعلی را هم گفتیم انداختند.

- قوچی که دیروز زده بودیم آورده بودند، اینجا دادیم عکس انداختند و بعد سرش را دادیم به باشی که بدهد دوا بزنند و درست کنند، انشاءالله شهر توی گل‌خانه بگذاریم

- وارد دیوان‌خانه که شدید دیدیم طاووسی که تازه آورده‌ایم توی دیوان‌خانه، نرش خیلی قشنگ است. یک دفعه آمد جلو ما و چتر زد، خیلی قشنگ بود؛ خیلی به فال نیک گرفتیم و همه تماشا کردند. بعد عکاس هم آمد همین‌طور عکس ما را انداخت (عبدامین و خلیلی ۱۳۹۴) (عبدامین و خلیلی ۱۳۹۵) (الف) (عبدامین، ۱۳۹۵) (الف) (عبدامین، ۱۳۹۷) (ب) (عبدامین، ۱۳۹۶) (عبدامین، ۱۳۹۷) (الف) (عبدامین، ۱۳۹۷) (ب). موچول خان همان صدیق السلطنه بعدی است که در تاریخ عکاسی دوره ناصرالدین شاه قاجار نقشی داشته است. آقا رضای پیشخدمت حضور همایون، عکاس یا عکاس‌باشی همان آقا رضا خان اقبال السلطنه است



است و هرگز مجموعه‌ای از قاب عکس‌های تاریخ‌دار او تا پیش از سال ۱۳۱۵ هجری قمری گزارش نشده است. عکسی هم از داخل عکاس‌خانه آنتوان سوروگین در تهران به سال ۱۳۱۹ هجری قمری وجود دارد که در آن آلبوم‌های فراوان چیده شده، دیده می‌شود. عکسی از کاشی‌های کتیبه‌دار سر در ورودی عکاس‌خانه سوروگین در موزه عکس‌خانه شهر وجود دارد (تصویر ۱۰). تاریخ افتتاح عکاس‌خانه سال ۱۲۶۲ است. اگر این تاریخ هجری قمری باشد تاریخ آن مربوط به دوره‌ایست که سورگین هنوز به دنیا نیامده است. بی‌شک این تاریخ هجری شمسی است که سال ۱۸۸۴ میلادی را نشان می‌دهد. تاریخ شمسی و کاشی‌کاری دوره پهلوی اول به وضوح حکایت از پیشینه عکاس‌خانه در شهر تبریز دارد؛ یعنی تنها پس از شش سال از تقدیم رساله عکاسی لیبر به مظفرالدین شاه و تنها دوازده سال پیش از ترور ناصرالدین شاه در هنگامی که آنتوان در زمره عکاسان دربار ولیعهد در شهر تبریز بوده است. تصور نمی‌شود که عکاس‌خانه‌ای هم در تهران داشته است مگر آنکه دو برادر در آن به کار معمولی و تجاری مشغول بوده باشند که این مطلب نیز مورد پذیرش پژوهشگران قرار ندارد. یحیی ذکاء گشایش عکاس‌خانه مسیو سورگین را در شهر تبریز در حوالی سال‌های ۱۸۷۷ تا ۱۸۷۸ میلادی می‌داند. خانم شایویلر که تحقیقات همه‌جانبه و عمیقتری دارد، معتقد است که احتمال دارد دیگر برادران او یعنی امانوئل و کلیا برای فرار از جنگ‌های روسیه با عثمانی در جبهه قفقاز به تبریز مهاجرت کرده باشند (Scheiwiller, 2018, P. 151) و در همین هنگام است که رساله هنر عکاسی از زبان فرانسه ترجمه و در شهر تبریز به حضور مظفرالدین میرزا تقدیم شده است. شایویلر گشایش عکاس‌خانه در تبریز را در سال ۱۸۸۳ میلادی یا حتی بعدتر می‌داند (Scheiwiller, 2018, P. 151) این موضوع با تاریخ سر در عکاس‌خانه مطابقت دارد. به نظر می‌رسد نوشته‌های یحیی ذکاء با ملاحظات و تصحیحاتی هنوز بهترین مرجع برای شناخت پیشگامان عکاسی در ایران باشد. شایویلر با بررسی نوشته‌های فورمان و مدارک موجود لقب خانی مسیو سوروگین را از سال ۱۹۰۰ میلادی یعنی سال چهارم سلطنت

که تا ۱۳۰۷ هجری قمری وفات یافت. او نقش مهمی در عکاسی دربار داشت. یوسف خان عکاس‌باشی یا عکاس مخصوص یا عکاس حضور همایون عکاس دربار در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بوده است تعدادی عکاس دیگر هم در دربار حضور داشتند و بنا به موقعیت احضار می‌شدند و همچنین ناصرالدین شاه علاوه بر اینکه خود عکاس ماهری بود (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷) و عکاسی می‌کرد در مواردی از کسانی که در دارالفنون عکاسی آموخته بودند برای عکاسی استفاده می‌کرد. در سال‌های آخر عبدالله میرزا هم که نامی از آن توسط ناصرالدین شاه آورده شده است، به همراه تتی چند برای عکاسی حضور دارند. هرگز و حتی یک بار هم حضور شخصی به نام آنتوان یا عکاس روسی یا فرنگی در دربار ناصرالدین شاه گزارش و یا یادداشت نشده است. تمامی این نوشته‌ها و خاطرات به‌خصوص مربوط به چند سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه در مجموعه کاخ گلستان وجود دارند و به‌وسیله مجید عبدامین و نسرین خلیلی بررسی و خوانده و منتشر شده و یا منتشر می‌شوند. از کسان دیگری نیز که روی سفرنامه‌ها و خاطرات و یا دست‌نویس‌های ناصرالدین شاه و دوران حکمرانی او مطالعاتی کرده‌اند، گزارشاتی دیده یا شنیده نشده است. بنابراین انتقادی جدی بر عکاسی او از دربار ناصرالدین شاه قاجار وجود دارد. با این حال این موضوع به هیچ وجه از ارزش هنری کارهای او و یا تغییرات هنرمندان‌های که در نگاتیوهای شیشه‌ای گرفته شده در دوران ناصرالدین شاه می‌داده است، نمی‌کاهد.

سورگین در تهران

نمی‌توان فرض کرد که تا پیش از حضور مظفرالدین شاه در تهران آنتوان خان در تهران حضور داشته و عکاس‌خانه خود را دایر کرده باشد تصویر درون و برون عکاس‌خانه مسیو آنتوان خان سوروگین در خیابان علاء الدوله در نزدیکی درب میدان مشق یا همان خیابان فردوسی وجود دارد که خارج از فضای ارگ سلطنتی است. علاوه بر این در قاب عکس‌های مقوایی مسیو سوروگین نام عکاس‌خانه و تاریخ هجری قمری درج شده

می‌شود وی دارای نشان شیر و خورشید الماس نشان از دولت ایران و مدال افتخار طلا از نمایشگاه ۱۸۹۷ بروکسل و نمایشگاه ۱۹۰۰ پاریس و چندین مدال دیگر بوده که تصویر آنها در برخی از آرم‌های عکاس خانه خود در پشت عکس‌ها به چاپ رسانیده است آنتوان خان مجموعه بزرگ و گرانبها از شیشه‌های عکس‌های قدیمی ایران فراهم آورده بود که بر سر پیشامد و بلوایی، همه آنها شکسته از میان رفت وی در فراهم آوردن عکس‌های کتاب بزرگ سیری در هنر ایران گردآوری و نوشته پروفیسور پوپ دستی داشته و رنج بسیاری برده بود نویسنده گمان می‌برد که بسیاری از عکس‌های آغاز جنبش مشروطه در تهران و بست نشینی در سفارت انگلیس و پیشامدهای دیگر آن زمان اثر دست آنتوان خان می‌باشد و خود مجموعه‌ای از نسخه‌های اصل عکس‌های آنتوان خان در اختیار دارد که مهارت و استادی او را در هنر عکاسی به خوبی نمایان می‌سازد ولی گویا برخی از آنها از روی شیشه‌های چاپ شده که عکاسان پیش از او از مناظر مختلف ایران گرفته بوده‌اند آنتوان سوریوگین در شیشه و متن این عکس‌ها اغلب شماره گذاری کرده و در برخی از آنها دستینه خود را به روسی نهاده است این عکاس هنرمند در ایران از جهان درگذشت و در تهران به خاک سپرده شد» (ذکاء، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۶). به هر روی به نظر می‌رسد آشفتگی مجموعه‌های سوریوگین علت‌های مختلف و عدم توجه به جنبه‌های مختلف کارهای عکاسان دیگر است.

وجود نگاتیوها و عکس‌های عکاسان دیگر در

مجموعه‌های سوریوگین

چنین به نظر می‌رسد که تعدادی از شیشه‌ها و عکس‌های موجود در مجموعه آنتوان خان از عکاسان پیش از او خریداری شده است (تصویر ۱۸-۱۶). با توجه به اینکه بیشتر آنها در آتش‌سوزی نابود و تعداد کمتری از آنها سالم مانده است. طبیعی است که نظم منطقی آنها بر هم خورده باشد. با توجه به شواهد موجود نمی‌توان تصور کرد که سوریوگین در دربار ناصرالدین شاه حضور داشته و عکاسی می‌کرده است و

مظفرالدین شاه و نتیجه اخذ مدال توسط سوریوگین در نمایشگاه جهانی عکس بروکسل در سال ۱۸۹۷ میلادی و نمایشگاه جهانی پاریس در سال ۱۹۰۰ میلادی می‌داند؛ زیرا لقب خانی مختص پادشاه بوده و یک فرمان رسمی محسوب می‌شده است و ولیعهد در شهر تبریز نمی‌توانست چنین منصبی را اعطا نماید (Scheiwiller, 2018) بنابراین همانطور که گفته شد ایرادات و انتقادات جدی بر زندگینامه آنتوان سوریوگین وجود دارد و همانطور که پیشتر اشاره شد نوشته‌های ذکاء با کمترین اشکالات هنوز یکی از بهترین منابعی است که در آن آگاهی‌های سودمند و روشن‌کننده‌ای در خصوص فعالیت‌های آنتوان سوریوگین وجود دارد.

«از عکاسان معروف و هنرمند و با ذوق تبریز و تهران آنتوان سوریوگین A. Sevrugin گرجی است که در ایران به روس بودن شهرت یافته بود و خود را نیز در پشت پاره‌ای از عکس‌ها چنین معرفی کرده است آنتوان خان در حدود دهه آخر سیزدهم هجری از قفقاز به تبریز آمده عکاسخانه خود را در آن شهر و سپس بر اثر معروفیتی که به دست آورده بود به دریاخانه مظفرالدین میرزا راه یافته و جزو عکاسان سرکاری شد وی به سال ۱۲۹۵ هجری قمری کتابی در فن عکاسیاز لیبر Liebert از عکاسان مشهور پاریس به فارسی ترجمه کرده و به ولیعهد تقدیم داشت که نسخه‌ای از آن ترجمه به خط نستعلیق خوش در کتابخانه ملی تهران به شماره ۱۶۷۹/ف موجود است»

«مسیو آنتوان خان گویا همراه با مظفرالدین شاه یا کمی پیش از او رهسپار تهران شده در این شهر در خیابان علاءالدوله (فردوسی) جنب در شرقی میدان مشق عکاسخانه خود را دایر ساخت و در اندک زمانی شهرت و معروفیتی در میان مردم تهران به دست آورد. آنتوان خان تابعیت دولت ایران را پذیرفته با یک خانم ارمنی نژاد ایرانی زناشویی کرد و فرزندان چند پیدا نمود ولی از آنان بیش از یک دختر و یک پسر زنده نماندند. او مردی آرام، گوشه‌گیر و خوش‌برخورد و گشاده رو و در عکاسی استاد بود پرتره‌ها و عکس‌های هنرمندانه او در دست خانواده‌های ایرانی به فراوانی دیده

دادن شماره لاتین روی آنها را تنها یکی از این تاثیرات دانست. اگر تاثیرات عکاسی هنرمندان روس را در عکاسی ایران در دوره قاجار مطالعه کنیم، کاملاً می‌توانیم این سبک را شناخته، کار او را از عکاسان دیگر کشورها مانند ایتالیا، آلمان و فرانسه در عکاسی ایران دوره قاجار متمایز سازیم (استاین، ۱۳۶۸؛ افشار، ۱۳۷۰؛ تاسک/ستاری، ۱۳۷۷). این گروه از عکاسان تاثیرگذار از ایوان راثول آغاز و به یرماکوف و سوروگین روس (در دوره‌ای که به نام عکاس روس کار می‌کرده است) رسیده (چاپچی و افضل زاده ۱۳۹۲، ص.ص. ۱۵۶-۱۰۹) و به عکاسان روس دیگری مانند ایوانف در اواخر دوره قاجار ختم می‌شود. همانطوری که پیشتر آورده شده است رابطه و نسبت این عکاسان بسیار مهم است زیرا فعالیت‌های عکاسی سوروگین را باید در سه زمینه الف - تجاری ب - انسان‌شناختی و هنر ج - اجتماعی و سیاسی د - حرفه‌ای و صنعتی بررسی و تجزیه تحلیل کرد. زیرا از طریق آنها می‌توان به دلایل و نوع سفارش پروژه‌های مشترک کاری، اهداف نظامی و سیاسی و اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و تاریخ و باستان‌شناسی دوران قاجار پی برد. یکی از مهمترین دلایلی که باعث شده است شناخت عکاسی این دوران برای پژوهشگران بسیار مشکل باشد، عدم توجه به حضور و نقش عکاسان روس و یا نقش قفقاز در عکاسی ایران در این دوره است. تفلیس مرکز فرمانروایی روسیه تزاری در قفقاز و یکی از مراکز اصلی ارتباط ایران با اروپاست؛ بنابراین نمی‌توان پنداشت که این شهر بین المللی هیچ نقشی در تکوین عکاسی این دوران نداشته است. بیشترین ارتباط دیمیتری یرماکوف با آنتوان سوروگین از سال ۱۸۹۶ تا سال ۱۹۰۰ میلادی یعنی ۴ سال اول حکومت مظفرالدین شاه بوده است. صحنه‌های تشییع جنازه ناصرالدین شاه و همینطور صحنه‌های اعدام میرزا رضای کرمانی (تصویر ۱۴ و ۱۵) که در مجموعه‌های سوروگین و یرماکوف در سراسر جهان دیده می‌شود، شاهدی بر این مدعاست. این عکس‌ها به نوعی با یکدیگر همپوشانی دارند. به نظر می‌رسد نوعی همکاری مابین این عکاسان شکل گرفته است. در همین دوره است که اتفاق دیگری رخ می‌دهد؛ مستشاران بلژیکی که

همچنین نمی‌توان تصور کرد که سورگین در تمام نقاط دور و نزدیک و حتی خارج از کشور حضور داشته باشد. حتی لقب خانی و همچنین کسب مدال نمایشگاه‌ها به سال‌های پس از قتل ناصرالدین شاه باز می‌گردد. گرچه آتش سوزی به طور تصادفی تعدادی از عکس‌ها و نگاتیوها را از میان برده است با این حال نمی‌توان تعداد اندک عکس‌های مربوط به عصر فرمانروایی ناصرالدین شاه قاجار را در مجموعه توضیح داد. میزان فعالیت‌های عکاسان عصر قاجار مانند عبدالله میرزای قاجار و یا آنتوان سوروگین در سال‌های پایانی حکومت این شاه همواره در پرده‌ای از ابهام بوده است. اصولاً میزان سفارش آلبوم عکس‌ها پس از قتل ناصرالدین شاه که همواره خواستگاران بسیاری از داخل و خارج کشور داشته است، قضاوت در خصوص این مسئله را بسیار مشکل می‌کند. چنانکه استفاده فراوان از عکس‌ها در موضوعات بسیار متنوع در کارت پستال‌های تصویری دوره احمد شاه قاجار نشان می‌دهد که عکس‌های استفاده شده در بازه زمانی نسبتاً طولانی برداشته شده است. وجود تعداد نسبتاً زیادی از آلبوم‌های منتسب به سوروگین در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی که بعضی از آنها دارای مهر عکاسخانه سوروگین و یا قاب مقوایی با نام عکاسخانه و اسم سوروگین و اکثراً دارای تاریخ هجری و چاپ آلبومین هستند، به ناچار عکس‌ها را نیز مانند نگاتیوهای شیشه‌ای وارد عرصه مطالعه هنر عکاسی سوروگین می‌سازد. به نظر نگارنده علت وجودی این عکس‌ها در مجموعه سوروگین مهمتر از تصحیح انتساب عکس و شناختن عکاسان دیگر است نمی‌توان پنداشت عکس‌های عکاسان دیگر و روش کار آنها هیچ تاثیری در انتقال اندیشه و یا فنون و تکنیک‌های عکاسی به ایران نداشته است. با مطالعه عکس‌ها و نگاتیوهای سوروگین به راحتی می‌توان به این حقیقت پی برد که برخی از عکس‌های سوروگین تقلید از کارهای هنری عکاسان دیگر مانند یرماکوف است. از آنجایی که دیمیتری یرماکوف استاد آنتوان سوروگین است، بنابراین روش‌های عکاسی او نیز متاثر از یرماکوف است. گرچه آنتوان سوروگین در عکاسی سبک مستقلی دارد می‌توان کار و روتوش هنری روی نگاتیو و قرار

شاه قاجار و به عنوان اولین تمبر رسمی به چاپ رسید و چاپخانه فاروس در تهران با دستگاه‌های چاپ مدرن‌تر سری تمبرهای موقتی را در سال ۱۹۰۰ به چاپ رساند. گرچه چاپخانه باطله زیادی نیز تولید می‌کرد (نوبین فرح بخش، ۱۳۹۲). این کارت پستال با تمام مواد ایرانی به مقصد اروپا در سال ۱۹۰۲ و از مسیر باکو ارسال شده است و کارت پستال‌های بعدی عکس‌هایی هستند که آنتوان سوروگین از عباس میرزا (تصویر ۴)، جمعی در بازار (تصویر ۲) و خط آهن تهران شاه عبدالعظیم (تصویر ۱)، شخصیت‌های مختلف و برخی دیگر از آثار معماری تهیه کرده بود. تمامی این چهار کارت پستال تصویری نام چاپخانه و حروف اول آنتوان و نام خانوادگی کامل سوروگین را به عنوان مشخصه چاپخانه و عکاس بر خود دارند. ارتباطات یرماکف و سوروگین را در این دوره بیشتر باید ارتباطات تجاری ارزیابی کرد احتمالاً مجموعه شیشه‌ها و عکس‌های تهیه شده توسط سوروگین بنا به توصیه یرماکف به بالاترین قیمت به خاورشناسان و ایران‌شناسان و سایر مشتاقان و مشرق‌شناسان فروخته می‌شد. بنابراین جای تعجب نیست که قسمتی از نگاتیوهای تهیه شده توسط یرماکف و شاید هم برعکس به اشتراک گذاشته شود این مسئله در آن زمان امری رایج بوده است؛ به طوری که در آلبوم علی خان والی همراه با شرح عکاسی و موضوعات مختلف خرید یک عکس همراه با شیشه آن از عکاس دیگری گزارش شده است (تصویر ۶).

کاتیا سلماسی در مقاله شیشه‌های آشفته عکس‌های برجامانده به بررسی تاریخ عکاسی در دوره قاجار و همین‌طور زندگینامه عبدالله قاجار عکاس دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه پرداخته است. او علاوه بر نقد مشخصات زندگی‌نامه عبدالله قاجار و تاریخ ولادتش و برخی عکس‌های مربوط به او را مورد شک و تردید قرار داده است. بنابر نوشته او، عبدالله از حوالی سال ۱۲۸۷ هجری قمری به بعد دوره کودکی و نوجوانی خود را در منزل خانواده معیرالممالک گذرانده است. او از مبادلات و اشتراک عکس با جهانگیر میرزا و از بودن عکس‌هایی از عبدالله میرزا قاجار در میان مجموعه

در سمت کارگزاران گمرکی، مالی و پستی به تدریج استخدام می‌شوند، برای پست ایران اقدام به تهیه کارت پستال‌های مصور می‌کنند، که از آنها تحت عنوان ورقه پست ایران یاد می‌شود. این کارت پستال‌ها با موضوعات بسیار متنوع از بهترین عکس‌های گرفته شده توسط دیمیتری یرماکف و عبدالله قاجار تهیه می‌شوند و در معرفی ایران به کشورهای دیگر به خصوص کشورهای اروپایی بسیار موثر واقع می‌شوند و در واقع به شناسه حکومت قاجار و مظاهر آن تبدیل می‌شوند. این کارت پستال‌ها برای دولت ایران منبع درآمد به شمار می‌آیند. برای تهیه این کارت پستال‌ها نگاتیوها و یا عکس‌هایی به چاپخانه‌های کشورهای غربی مانند آلمان فرانسه و روسیه ارسال می‌شوند و مسلماً منبع این عکس‌ها در مرحله اول عکاسخانه‌های دولتی مانند دارالفنون بوده است. گرچه تعدادی کارت پستال روسی نیز با موضوعات ایرانی در قفقاز به مصرف رسیده‌اند که نشانگر استقبال غربی‌ها از این کارت پستال‌هاست؛ اما بیشترین میزان فروش آنها را می‌توان در داخل ایران دانست. در هیچکدام از این کارت پستال‌ها نام عکاس دیده نمی‌شود. اما در تمامی آنها سفارش‌دهنده و یا تولید کننده مشخص است. عکاس این کارت پستال‌ها را با مقایسه عکس‌ها و نگاتیوها و در مواقعی به سختی می‌توان یافت. تنها مورد استثناء اتفاقاً مربوط به آنتوان سوروگین است. کارت پستال‌های مصور از سال ۱۸۹۹ میلادی یعنی تنها سه سال پس از رسیدن مظفرالدین شاه به تخت سلطنت در ایران دیده می‌شوند. اما در حقیقت از سال ۱۹۰۰ میلادی است که استفاده از آنها در ایران رایج می‌شود. تعداد بسیار اندکی از کارت پستال‌های با نام سوروگین مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که همگی آنها چاپ چاپخانه فاروس در تهران است و نگاه بومی را به چاپ و عکاسی در ایران نشان می‌دهد. یک نمونه جالب توجه که بانک شاهی و زندگی روزمره را در میدان توپخانه نشان می‌دهد با تمبرهایی که در چاپخانه فاروس به چاپ رسیده استفاده شده است (تصویر ۳ و ۵). این تمبرها دومین سری از تمبرهایی است که در ایران تهیه شده است. تمبرهای اولیه مشهور به باقری در تهران و در دوره ناصرالدین



ایران منسوب به عبدالله میرزای قاجار و مربوط به مجموعه ماموریت عکاسی وی در خراسان است. سلماسی آنها را هم از آن دوست محمد معیرالممالک می‌داند» (سلماسی، ۱۳۸۳). گرچه عده‌ای از پژوهشگران همواره به اظهارات خانواده معیرالممالک خرده گرفته‌اند، با این حال باید توجه داشت که عبدالله قاجار موظف بوده است هر آنچه شاه امر می‌کرده است در عکاسخانه به چاپ رسانده و به صورت آلبوم و یا قاب تحویل دهد. آلبوم‌های متعدد موجود در کاخ گلستان که نام و نشانی عکاسخانه او را دارند شاهدی بر این مدعاست. بدون قضاوت درباره‌ی این انتسابات می‌توان پی برد برخی عکس‌های عبدالله میرزای قاجار می‌تواند متعلق به دیگر عکاسان از جمله دیمیتری یرماکف یا حتی آنتوان سوروگین و همین‌طور برعکس باشد. یعنی برخی عکس‌های گرفته شده توسط او در اختیار دیگر عکاسان بوده باشد.

همکاری سورگین با شرکت علمیه فرهنگ و

چاپخانه فاروس و وقوع انقلاب مشروطیت

چاپخانه فاروس دو سال پس از آغاز سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۲۷۸ هجری شمسی) در خیابان لاله‌زار تهران اول کوچه بهار با مدرن‌ترین دستگاه‌های چاپ زمان خویش تاسیس شد. بنیانگذار اصلی این چاپخانه لئون کوان ارمنی بود. در خصوص کارت پستال‌های چاپ فاروس از عکس‌های سوروگین بیشتر توضیحاتی داده شد. علاوه بر این فاروس نشریات مهمی را به چاپ می‌رساند که تعدادی از آنها مشروطه خواه بودند. مدتی بعد لئون و همفکرانش که بیشتر ارمنی بودند شرکت علمیه فرهنگ را در همین محل بنیانگذاری کردند. در طبقه بالای چاپخانه سالن جلسات و تئاتر و رستوران قرار داشت (میرزای گلیپایگانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۴). این ساختمان به زودی محل جلسات آزادیخواهان، نمایش تئاترهای آزادیخواهانه و همچنین محل رفت و آمد اتباع و مستشاران خارجی به‌خصوص اتباع روس شد. حتی ایوانف یا روسی خان به همراه مصورالملک اتاقی بر بالای چاپخانه فاروس

عکس‌های دوست محمدخان معیرالممالک و برعکس سخن رانده است. از نظر او مبادله عکس و نگاتیو در بین عکاسان قدیم بدون اعتنا به حفظ هویت عکاس اصلی امری عادی و رایج بوده است. اما در میان پژوهشگران انتساب نادرست عکس به عکاسان دیگر خطای بزرگی به حساب می‌آید. سلماسی در ادامه از عکس‌هایی در تاریخ عکاسی سخن می‌گوید که به نام عبدالله قاجار ثبت شده ولی عکاس آنها خود وی نبوده است و تنها عامل این انتخاب مشخصات مقوای پشت بند عکس به نام عکاسخانه مبارکه دارالفنون و امضای عبدالله قاجار است. پشت نویسی عکس و سندی ارائه شده از طرف کاتیا سلماسی مربوط به بازگشت مظفرالدین شاه قاجار از سفر دوم فرنگستان چنین حکایت می‌کند: «حقیر آنروز عکس برمی‌داشت و در گروپ حضور ندارد شیشه‌ها را حساب امر همایون عبدالله میرزا گرفته روی مقوای عکاسخانه دولتی چاپ شد که طبق معمول و به عادت اعلیحضرت به خواص نوکرها و اهالی اندرون داده شود و مثل خیلی از عکس‌ها به اسم آنجا تمام شد حقیر میرزامحمد». این نوشتار به دستخط حشمت الممالک در پشت عکس دیده می‌شود و این عبارت نشان می‌دهد انتساب یک عکس به صرف وجود قاب مقوایی با نام عبدالله میرزا نمی‌تواند گویای عکاسی آن توسط عبدالله میرزای قاجار باشد. کاتیا سلماسی با بررسی آلبوم عکس سفر خراسان و کارت ویزیت چسبانده شده چنین می‌نویسد:

«معیرالممالک روی این کارت به خط خود نوشته دوست محمد این عکس‌ها را در سفر خراسان به یادگار انداخت و بعداً با قلم ریزتری اضافه کرده بعضی هم عکس‌های متفرقه است که داخل شده و باید با آلبوم خودش منتقل شود. زیر برخی از عکس‌ها نیز با مداد یادداشت شده «منتقل شود». عکس‌های این آلبوم که بیشتر جنبه گزارش تصویری از بناها و مکان‌های تاریخی مختلف در مسیر راه تهران تا مشهد و منطقه خراسان دارند همانند سایر عکس‌هایی که توسط دوست محمدخان معیرالممالک عکاسی شده از انسجام تصویری بالایی برخوردارند. در مجموعه عکس‌های این آلبوم دو عکس وجود دارد که در کتاب‌ها و مستندات تاریخ عکاسی

قرار گرفتن شوروی در پشت پرده‌های آهنین، شناسایی مجموعه‌های عکس او را در سرتاسر جهان با دشواری‌های بی شماری روبرو کرد (Scheiwiller, 2018, PP. 153-162).

قرار نداشتن آثار سوروگین در نظم زمانی و مکانی

مشخص و شرح کامل تصویر

قرار نداشتن شیشه‌ها و عکس‌های سوروگین در یک نظم زمانی و مکانی مشخص، ناقص بودن گاه‌شماری، اطلاعات جغرافیایی و شرح عکس، تفسیر و انتساب عکس‌های سوروگین را با دشواری‌هایی همراه نموده است. اتفاقاً به نظر نگارنده کمترین مشکل در این خصوص مربوط به سال‌های پایانی فعالیت اوست زیرا شواهد بیشتری برای تکمیل کردن اطلاعات مربوط به عکس‌های او موجود است. یک اتومبیل در گوشه‌ای از تصویر و کلاه و لباس دوره پهلوی اول از جمله شواهد آشکار برای تاریخ‌گذاری عکس‌های آشفته و پراکنده سوروگین هستند. به غیر از این موارد، عکس شخصیت‌های مشهور مانند رضاخان احتمالاً در دوره نخست وزیری و یا پس از آن و عکس مدرس پیش از شهادت است. سوروگین در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی رخت از جهان برپست و بسیار منطقی است که بیشتر این عکس‌ها مربوط به دهه اول قرن چهاردهم هجری شمسی باشد. سوروگین عکس‌های بسیاری از میدان‌ها به خصوص میدان توپخانه جدید و خیابان‌هایی مانند ناصریه (ناصرخسرو)، خیابان علاءالدوله (فردوسی) و خیابان الماسیه یا باب همایون و راه‌ها و پرتله‌های فردی و گروهی از مردم عادی و شخصیت‌ها برداشته است. یکی از ویژگی‌های عکس‌های او نشان دادن مسیر خط آهن در عکس‌هاست. او در این عکس‌ها تراموای اسبی و یا ماشین دودی را از توپخانه تا شاه عبدالعظیم دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد هدف سوروگین از این کار نشان دادن مظاهر تمدنی جدید به مشتریان بعضاً اروپایی است. به همین سبب در عکس‌های او پستخانه و نظمی در زوایای جدید دیده و دنبال می‌شوند و یا صحنه‌هایی از برپایی بی‌سیم به تصویر کشیده می‌شوند. عکس‌ها از سطح پایین برداشته می‌شوند و تعداد عکس‌هایی

کرایه و دومین سالن سینمای تهران را تالسیس کردند که آنجا نیز پاتوق مستبدین شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۰).

به هر روی روشن است که حوادث مربوط به انقلاب مشروطیت در ایران و همچنین مرگ مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۷ میلادی یعنی درست چند سال پس از همکاری‌های گسترده در عکاسی از ایران باعث جدایی کامل سوروگین و یرماکف شده است. با به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه و پس از آنکه سوروگین و خانواده‌اش گرایش‌های مشروطه‌خواهی از خود بروز دادند، جدایی او از روس‌ها شدت یافت. در سال ۱۹۰۸ میلادی در خلال استبداد صغیر ماموران حکومتی به همراه نظامیان روس به سلسله ساختمان‌های مشروطه‌خواهان حمله کردند و در نتیجه استودیو عکاسی سوروگین که در آن محل قرار داشت طعمه حریق شد. استودیو در همسایگی خانه ظهیرالدوله قرار داشت که در این حملات هزاران شیشه عکاسی که احتمالاً تعدادی از آنها هم مربوط به یرماکف می‌شد از میان رفت و تعداد نامعلومی از آنها به صورت تفکیک‌نشده و بدون شناسنامه باقی ماند. خانواده سوروگین به سفارت انگلستان پناهنده شده و به اصطلاح آن روز بست نشستند. سرنوشت نهایی تمامی شیشه‌های باقیمانده نامعلوم است و معلوم نیست چه تعداد از آنها در زمان پهلوی اول از میان رفته و چه تعداد از آنها در زمان پهلوی دوم بازپس داده شده است که اکنون بقایای آنها در آرشیوها و موزه‌ها و مجموعه‌های دیگر به‌طور پراکنده دیده می‌شود. سوروگین را از عکاسان وقایع مشروطه دانسته‌اند اما کیفیت و چگونگی کار او در انقلاب مشروطیت هنوز به‌طور کامل شناخته نشده است. یکی از فرزندان او به نام آندره عضو دانشکسیون یا فدراسیون انقلابی ارمنی یکی از گروه‌های انقلابی با گرایش‌های تروریستی در ایران، قفقاز و عثمانی بود. اما تاریخ عضویت او نا مشخص و مربوط به سال‌های بعد است دانشک‌ها به سرپرستی یرم خان در انقلاب مشروطه شرکت مستمر و بسیار فعالی داشتند و بنابراین می‌توان دلایل کامل جدایی سوروگین از روسیه و در نتیجه قطع رابطه او با یرماکف را دانست. با اینکه یرماکف پیش از انقلاب شوروی دیده بر جهان بست، اما آغاز جنگ سرد و

چنین به نظر می‌رسد رابطه کاری و تجاری محکمی بین این دو برقرار بوده باشد. خوشبختانه یرماکف فهرست تعدادی از عکس‌های گرفته شده خود را در دو کاتالوگ به چاپ رسانیده که سند معتبری از تاریخ عکس‌های گرفته شده به وسیله او و مشخصات موضوعات زیرنویس شده در عکس به زبان روسی است. عنوان کاتالوگ اول او که در سال ۱۸۹۶ میلادی به چاپ رسید، «کاتالوگ عکس نمونه‌ها و گونه‌های قفقاز، ایران، اروپا و آناتولی» بود. در سال ۱۹۰۱ میلادی کاتالوگ دومی به چاپ رسید که نمونه‌های زیادی به عکس‌های قبلی او اضافه کرد. در حقیقت انتشار این دو کاتالوگ است که مبنایی را برای مطالعه عکس‌های تاریخی در ایران برای دست‌اندرکاران فراهم می‌سازد (Ermakov, 1896; 1901).

موضوعات و جزئیات مطرح شده در این کاتالوگ‌ها ارزش کارهای او را برای پژوهش‌های میراث فرهنگی ایران آشکار می‌کند. کاتالوگ اول تقریباً به سال ۱۸۹۶ میلادی منتشر و شماره‌های ۱ تا ۸۷۴۳ را دربرمی‌گیرد. در این کاتالوگ عکس‌های استرئوسکوپی (دوتایی قابل مشاهده در نوعی چشمی به صورت برجسته‌نما) از شماره‌های ۱ تا ۱۳۹۱ دیده می‌شوند که در بخش دوم آورده شده‌اند. این تاریخ سال گذشته شدن ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضای کرمانی و به سلطنت رسیدن پسرش مظفرالدین شاه است و با توجه به زمانی که برای جمع‌آوری و چاپ این کاتالوگ سپری شده است، می‌توان عکس‌های گرفته شده را به دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار منتسب نمود. موضوعات عکس‌های ایران این کاتالوگ، بیشتر شامل مناطق تهران، اصفهان، قزوین، رشت، انزلی، مازندران و جاده‌ها است. در کاتالوگ دوم که به سال ۱۹۰۱ میلادی در شهر تفلیس منتشر شده است و شامل دو بخش می‌گردد، بخش اول فهرست عکس‌ها و بخش دوم که مربوط به عکس‌های استرئوسکوپی است.

عکس‌های معمولی از شماره‌های ۸۷۴۴ تا ۱۱۳۰۸ شماره‌گذاری شده‌اند و عکس‌های استرئوسکوپی از شماره‌های ۱۳۹۲ تا ۱۹۲۵ دیده می‌شوند. تمامی شماره‌ها ادامه شماره‌های کاتالوگ اول هستند. کاتالوگ سوم که تنها به

که از بالا گرفته شده‌اند کمتر است؛ این سبک خاص، ویژه عکاسی سوروگین است. در مواردی که عکس‌هایی از بالا گرفته شده‌اند مهارت ویژه‌ای در نشان دادن موضوع به خرج داده شده است. اما زاویه عکاسی به نحویست که اتفاقات و حرکت و جنب و جوش در کوچه‌ها و خیابان‌های باریک کاملاً نشان داده می‌شوند. شاید این مشخصات باعث می‌شود که ما از اصالت هنر عکاسی بومی ایران دفاع کنیم، اما این امر دلیل بر این نیست که نفوذ سبک عکاسی اروپایی و تاثیر آن را بر هنر عکاسی ایران را نادیده بگیریم. توجه به این نکته ضروری است که ویژگی هنر قاجار تلفیق هماهنگ و متوازن هنر اروپایی و عناصر هنرهای سنتی است. آیینی که تولید صنعتی آن پدیده غربی است در هنر آینه‌کاری اماکن مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته و هنری کاملاً بومی و سنتی ایجاد می‌کند که تاکنون پابرجا مانده و به حیات خود ادامه داده است. در سایر هنرهای ظریفه و هنرهای وابسته به معماری در تلفیق با عناصر معماری اروپایی مانند استفاده از ستون‌های رومی با هنر ایرانی استفاده می‌شود و معماری سنتی با شکوهی ایجاد می‌کند. هنر عکاسی ایران از این امر مستثنی نیست؛ گویی مواد مادی عکس در دست عکاس با ذوق و خلاقیت تبدیل به هنر زیبایی می‌شود و ارتباط و نسبت آن را در ارتباط با دیگر هنرها به خصوص نقاشی و پرتره‌سازی می‌توان پی گرفت. ایوت تجربیان که عکاسان ارمنی جهان را مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهد معتقد است که سورگین به هیچ سبک خاصی پایبند نبوده و بنا به ذوق و درک شخصی خود و با توجه به آخرین معیارهای اروپایی آثار خود را خلق کرده است و به همین سبب است که مورد توجه مشتریان اروپایی و ایرانی قرار گرفته است (تجربیان، ۱۳۹۷، ص. ۷۰). البته به این نکته باید توجه داشت که این برداشت بر اثر بررسی منفرد آثار سوروگین به دست آمده است و چنانچه آثار او مرتب و مشخصات آن به صورت موضوعی طبقه‌بندی و تجزیه تحلیل شوند، سبک‌های ویژه او در عکاسی قابل شناسایی هستند. شوربختانه در بررسی عکس‌های سورگین به رابطه او با عکاسان دیگر مانند دیمتری یرماکوف توجهی نشده است.

صورت نسخه اولیه و منتشر نشده وجود دارد در موزه ملی گرجستان نگهداری می‌شوند و دربردارنده فهرست عکس‌های یرماکف از شماره‌های ۱۱۳۰۹ تا ۱۹۰۵۵ است. در این کاتالوگ فهرستی از عکس‌های او که در زمان احمد شاه قاجار گرفته شده است وجود دارد. با توجه به وجود عکس‌هایی از میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه و صحنه بر دار کشیدن او که در فهرست عکس‌های تهیه‌شده او وجود دارد (تصویر ۱۴ و ۱۵) و مربوط به کاتالوگ دوم اوست و عکس‌هایی از مظفرالدین شاه بعد از ورود به تهران احتمال می‌رود یکی از مسافرت‌های او پیش از سال ۱۸۹۵ یعنی آخرین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه آغاز و در سال ۱۸۹۶ به پایان رسیده باشد که این تاریخ با چاپ کاتالوگ اول همزمان است. ارتباط سوروگین با یرماکف و عکاسان دیگر را به غیر از امکان حضور توام در صحنه و تقسیم کار در دو زمینه دیگر نیز می‌توان

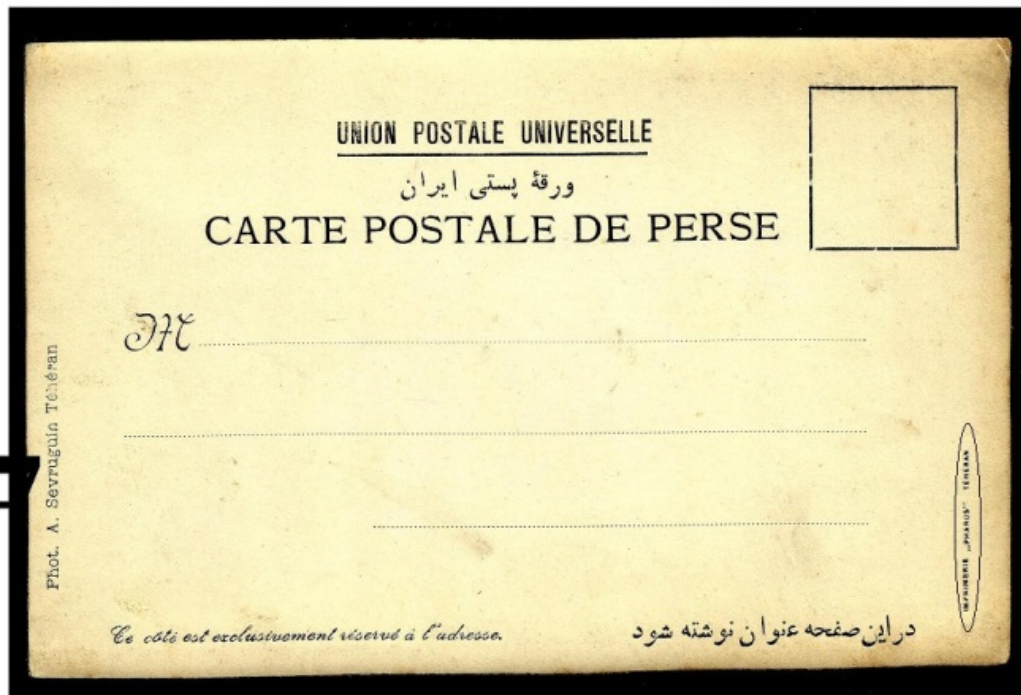
مطالعه کرد. الف - اشتراک و روتوش عکس‌ها که بیشتر برای مقاصد تجاری است و اساسا باید برای امکان آن وجود نگاتیوهای متعددی را برای یک صحنه عکاسی اثبات کرد که فرض شود هنرمند آن را با پول یا نگاتیو دیگر مبادله می‌کند (تصویر ۲۳) و دیگر دستکاری و روتوش و اقدامات هنرمندانه دیگر بر روی آنهاست (تصویر ۲۰)؛ ب - عکاسی مجدد و بازآفرینی صحنه‌ها و موضوعات عکاسی هنرمندان دیگر که بیشتر روی مناظر طبیعی، بناها و بافت‌های شهری انجام می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که سورگین در این زمینه چیره‌دست بوده است (تصویر ۲۱ و ۲۲). به هر روی با مقایسه عکس‌های سورگین و عکس‌های یرماکف که شرح عکاسی دارند، می‌توان مشخصات برخی عکس‌های سورگین را کامل و یا تصحیح کرد (تصویر ۱۹).



IMPRIMERIE „PHAROS“ Téhéran



Phot. A. Sevruguin Téhéran

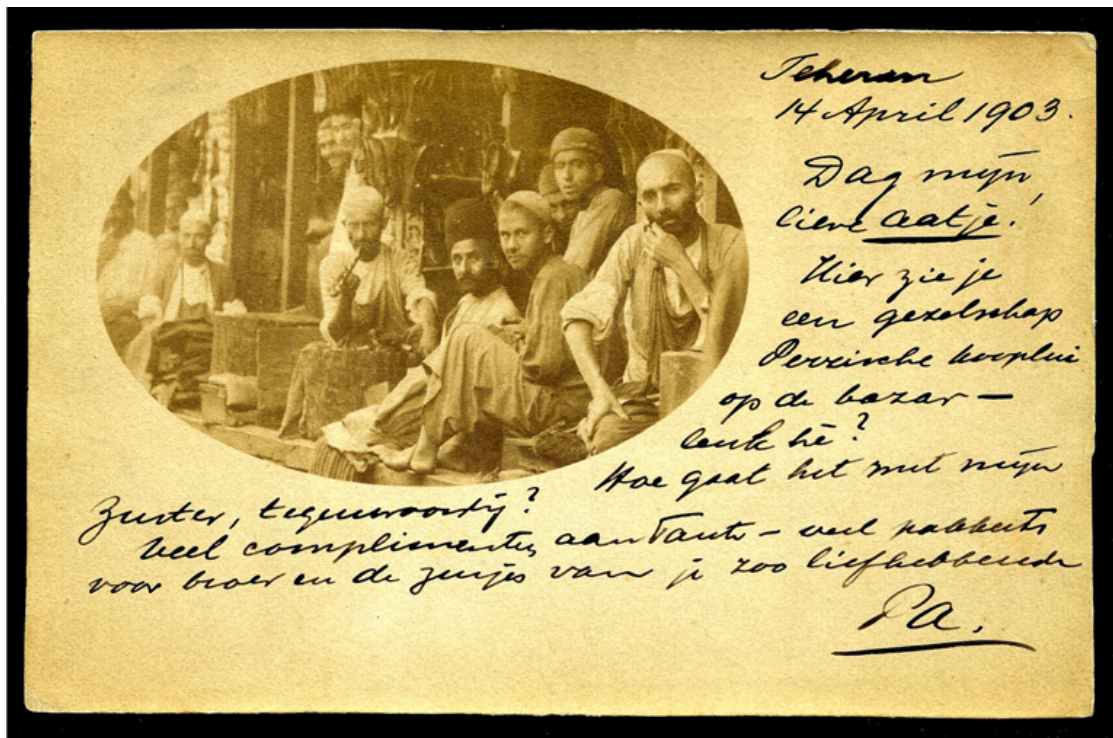


Phot. A. Sevruguin Téhéran

Ce côté est exclusivement réservé à l'adresse.

در این صفحه عنوان نوشته شود

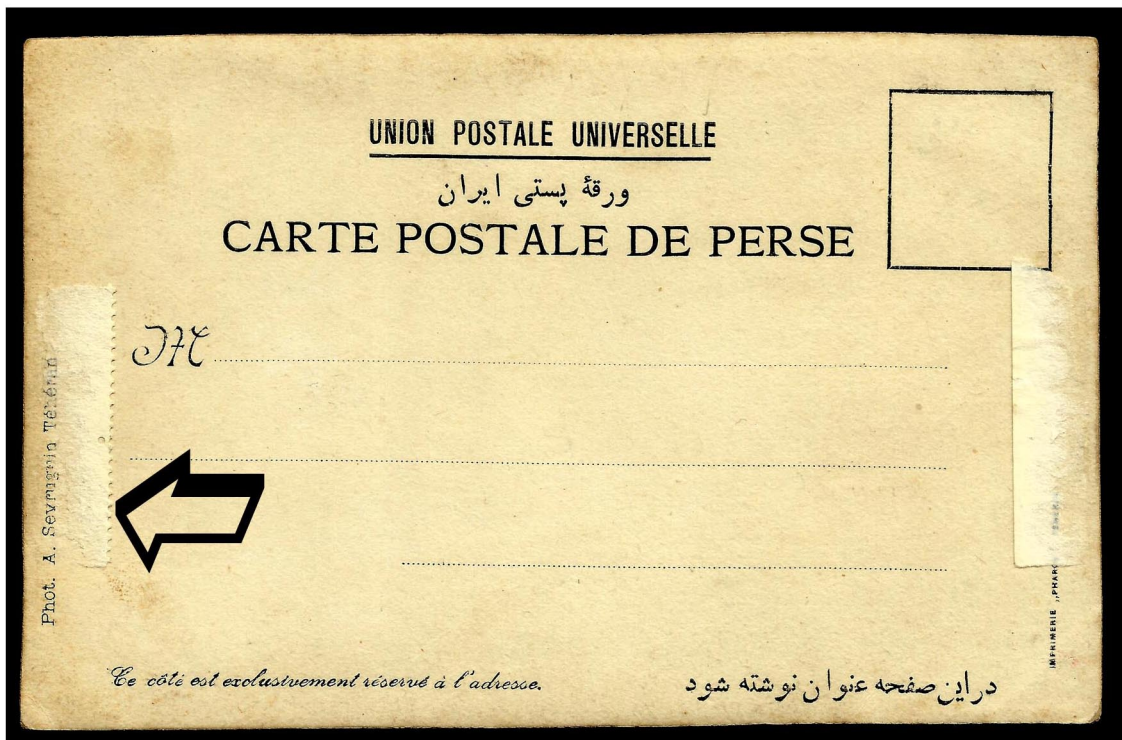
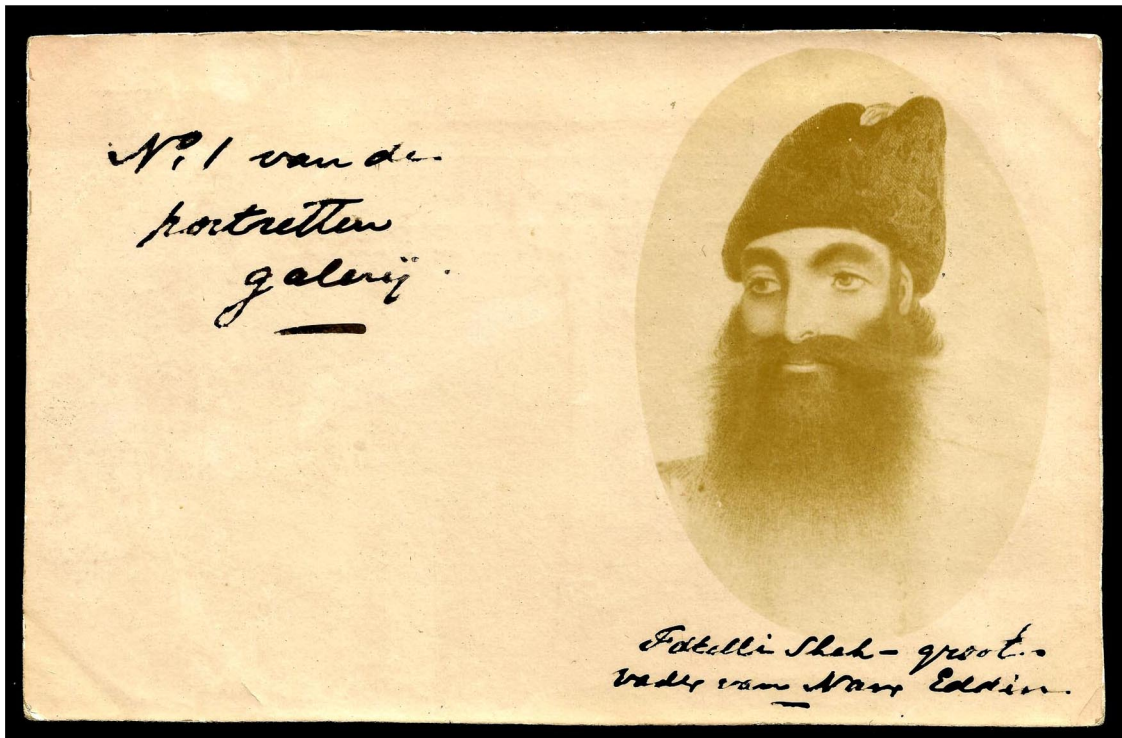
تصویر ۱. راه آهن تهران شاه عبدالعظیم عکاس سوروگین با نوشتار پشت کارت پستال و چاپ چاپخانه فاروس در تهران دوره مظفرالدین شاه نام عکاس و چاپخانه در سمت چپ بزرگ شده است (مجموعه سام شمس آبادی)



تصویر ۲. پشت و روی کارت پستال با تصویر فروشندگان و شرح نوشته شده به سال ۱۹۰۳ و با نام عکاس سوروگین چاپ چاپخانه فاروس تهران (مجموعه سام شمس آبادی)



تصویر ۳. منظره بانک شاهی با نام چاپخانه فاروس و سوروگین پست شده به سال ۱۹۰۲ با تمبرهای چاپ شده در چاپخانه فاروس تهران و پست سفارشی از راه باکو یک نمونه کم‌نظیر (مجموعه سام شمس آبادی)



تصویر ۴. کارت پستال با چهره عباس میرزا عکاسی شده از روی کتاب با نام عکاس سوروگین چاپ چاپخانه فاروس بر روی کارت پستال به اشتباه نام فتحعلیشاه با جوهر نوشته شده است. (مجموعه سام شمس آبادی)



تصویر ۸. سنگ قبر آنتوان خان سوروگین



تصویر ۵. میدان توپخانه و بانک شاهی نگاتیو شیشه‌ای از عکس کارت پستال با نام سوروگین مجموعه اسمیت گالری ار تور ساکسر



تصویر ۹. قسمتی از سنگ قبر سوروگین که در آن تاریخ تولد ۱۸۵۱ و تاریخ مرگ سال ۱۹۳۳ میلادی نوشته شده است.



تصویر ۶. از آلبوم علیخان والی با زیر نویس: عمارت فین کاشان است که شیشه آن را عکاس فروخته



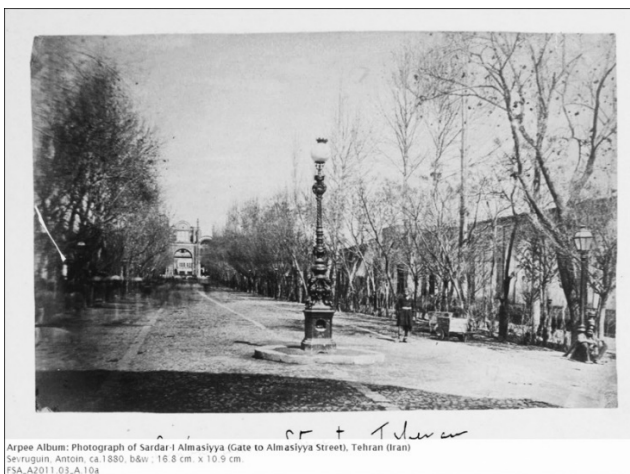
تصویر ۱۰. کاشیکاری سر در عکاسخانه سورگین در عکاسخانه شهر



تصویر ۷. آرامگاه خانوادگی سوروگین در گورستان ارتدکس دولاب تهران



تصویر ۱۱. یکی از عکس‌های سورگین با قاب مقوایی عکاسخانه به تاریخ ۱۳۱۹ هجری قمری



تصویر ۱۳. همان عکس الماسیه در مجموعه استفان آرپی گالری فریر و ساکلیر موسسه اسمیتسونین با نام عکاس سورگین



تصویر ۱۲. عکس خیابان الماسیه از مجموعه یرماکف موزه ملی گرجستان عکاس دیمیتری یرماکف



تصویر ۱۵. منظره دار میرزا رضای کرمانی از مجموعه دیمیتری یرماکف موزه ملی گرجستان



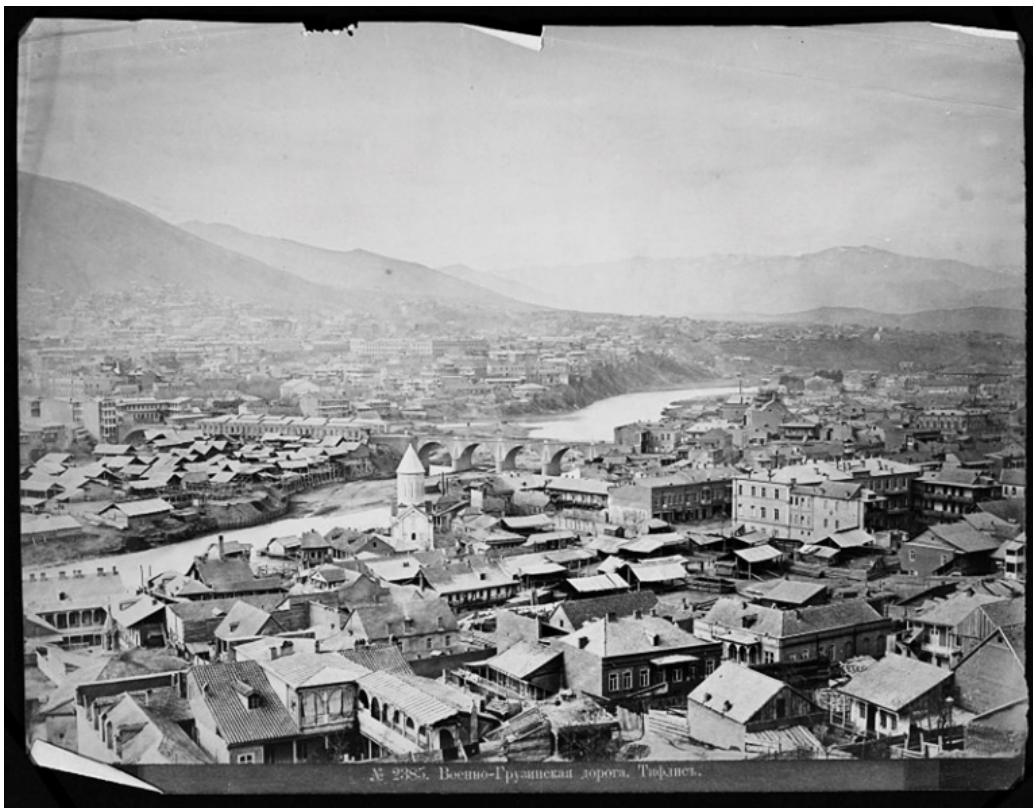
تصویر ۱۴. عکس میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه در غل و زنجیر مجموعه یرماکف موزه ملی گرجستان



تصویر ۱۶. بازار مرکزی نورنبرگ عکاس نامعلوم البوم سورگین مجموعه استغفان آرپی گالری ارتور ساکلر



تصویر ۱۷. دهلی قدیم مسجد جامع شاه جهان نگاتیو شیشه‌ای سوروگین مجموعه اسمیت عکاس نامعلوم



تصویر ۱۸. منظره شهر قدیم تفلیس و پل میخائیل با زیر نویس یرماکف در آلبوم آرپی منتسب به سوروگین



تصویر ۲۰. نگاتیو شیشه‌ای از زنان چادرنشین مجموعه اسمیت سوروگین که در برخی مجموعه‌ها به نام یرماکف نیز قلمداد شده است.



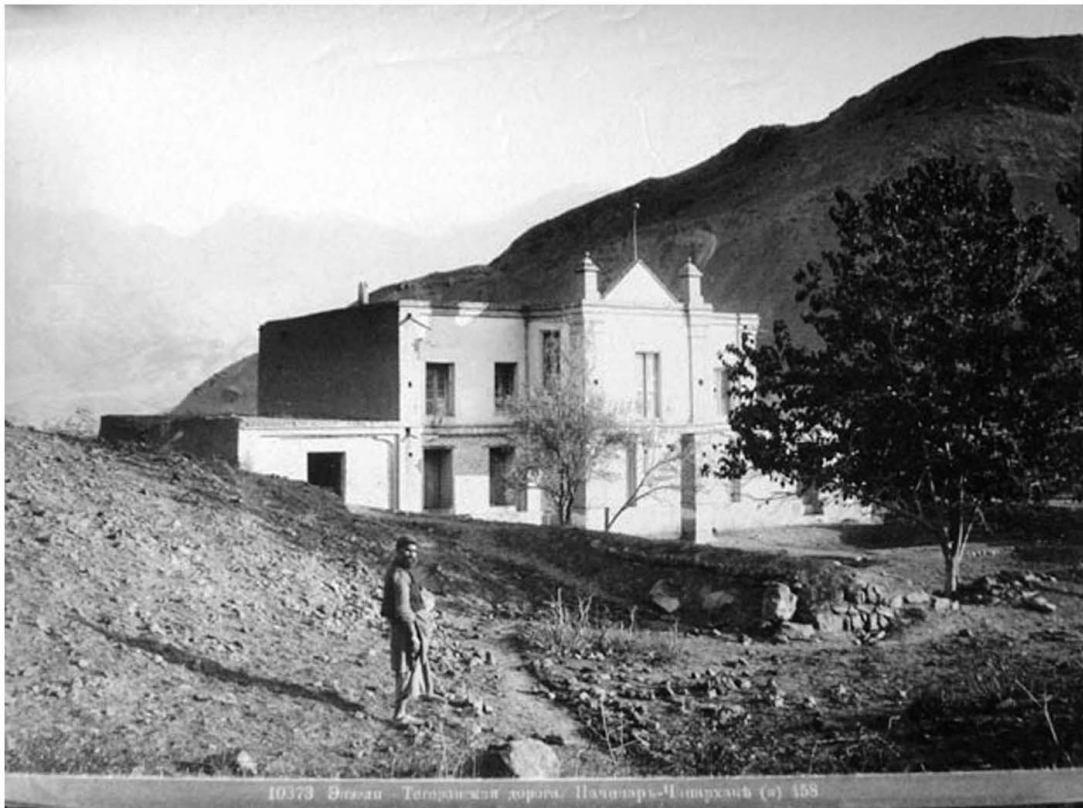
تصویر ۱۹. نگاتیو شیشه‌ای از یک ورودی نامشخص مجموعه اسمیت سوروگین (اقامتگاه سفیر فرانسه؟)



تصویر ۲۲. نگاتیو شیشه‌ای مجموعه اسمیت از همان اتاق احتمالاً در سال‌های بعد با ارسی‌های بسته و تغییر زاویه عکاسی و تغییر دکوراسیون و مبلمان و چوبکاری سقف که تنها به صورت اقامتگاه دیپلمات در مجموعه فهرست شده



تصویر ۲۱. نمای داخلی تالار سفیر فرانسه در روستای تجریش از مجموعه یرماکف موزه ملی گرجستان



تصویر ۲۳. پایین جاده انزلی به تهران چاپارخانه پاچنار به شماره کاتالوگ ۱۰۲۰۶ یرماکوف

بالا تصویر کار شده و روتوش شده به شماره ۱۰۳۷۳



نتیجه‌گیری

عکس‌ها و شیشه‌های عکاسان دیگر که در مجموعه‌های منتسب به او دیده می‌شوند سوروگین ممکن است در سال‌های بعد روش و زاویه عکاسی برخی از آنها را تقلید و دوباره از مکان‌های مختلف عکسبرداری کرده باشد و بدین گونه عکس‌های خود را تولید کرده باشد. با توجه به اینکه سوروگین نام خود را به‌عنوان عکاس در پشت کارت پستال‌های چاپخانه فاروس درج کرده است، هنوز معلوم نیست عکس‌های منتسب به سوروگین چگونه بدون نام وی بر روی کارت پستال‌های مختلف قرار می‌گرفته‌اند؟ آیا عکاسخانه وی بنگاه بزرگ اشتراک‌گذاری عکس‌ها و نگاتیوها بوده است؟ و چه نوع مجوز یا پروژه‌ای برای این کار وجود داشته است. به هر روی مطالعه تطبیقی مجموعه عکس‌های موجود در موزه‌ها و موسسات دیگر مانند موزه ملی گرجستان که بزرگترین مجموعه از شیشه‌ها و عکس‌های دیمیتری یرماکف را در اختیار دارد می‌تواند مشخصات و تاریخ عکسبرداری بسیاری از عکس‌های مجموعه سوروگین را که مربوط به دوره قاجار است مشخص و مرتب سازد.

قدردانی و تشکر

از آقای سام شمس آبادی به خاطر ارسال تصویرهای مدارک منحصر به فرد سپاسگزارم.

تعارض در منافع

نویسنده هیچ‌گونه تعارضی در منافع گزارش نکرده است.

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام شده حضور آنتوان سوروگین در دربار ناصری و عکاسی از آن با چالش‌ها و انتقادهای بزرگی روبروست. این حضور و عکاسی از دربار و گشایش عکاسخانه در تهران می‌بایست در سال‌های نخست سلطنت مظفرالدین شاه قاجار صورت گرفته باشد. به دنبال ناآرامی‌های دوران مشروطیت و آتش‌سوزی عکاسخانه سوروگین و مصادره عکس‌ها و نگاتیوهای باقیمانده در سال‌های بعد اطلاعات عکس‌ها و آلبوم‌ها و شیشه‌های او دچار آشفته‌گی شدیدی شده است. بسیاری از عکس‌ها و آلبوم‌هایی که در مجموعه‌های سراسر جهان پراکنده شده و در قاب عکاسخانه سوروگین قرار گرفته‌اند و یا بر رو و پشت آنها مهر عکاسخانه او دیده می‌شوند، این اندیشه نادرست را در ذهن پژوهشگران ایجاد کرده است که تمامی این عکس‌ها اثر هنری عکاسی او بوده و یا به دوره زمانی خاصی مثلاً دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تعلق دارند. در حالی که عکاسخانه سوروگین را در حقیقت باید یک آژانس یا بنگاه بزرگ عکاسی دانست که به مستشرقین و ایران‌شناسان خارجی و یا به نهادهای دیگری مانند موسسات انتشاراتی و یا خبری و دولتی خدمات عکاسی و تهیه عکس ارائه می‌کرده است. این موضوع می‌تواند حضور عکس‌ها و شیشه‌های عکاسان دیگری مانند دیمیتری یرماکف را در مجموعه‌های منتسب به سوروگین توجیه نماید. عکاسخانه او تعداد بسیار زیادی از کارت پستال‌های تصویری اصل یا تهیه‌شده از روی نگاتیو نیز تولید می‌کرده است که شناسایی آنها در انتظار پژوهش‌های بیشتری است. هر چه از دوران ناصری به سمت دوران حکومت پهلوی اول یعنی پایان دوره کاری او نزدیکتر شویم اطلاعات عکس‌ها و شیشه‌های باقیمانده روشنتر و مشخص‌تر می‌شود. از این رو می‌توان شیوه‌های عکاسی او را که تحت تاثیر سفارشات خارجی او بوده است مشخص‌تر و متمایزتر ساخت. به غیر از

منابع

- استاین، دانا (۱۳۶۸). *سرآغاز عکاسی در ایران*، ترجمه ابراهیم هاشمی، بی‌جا: اسپرک.
- افشار، ایرج (۱۳۷۰). *گنجینه عکس‌های ایرانی همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران*، تهران: نشر فرهنگ ایران.
- تاسک پطر (۱۳۷۷). *سیر تحول عکاسی*، تالیف و ترجمه دکتر محمد ستاری (بخش اول: عکاسی در ایران). تهران: سمت.
- تجریان، ایوت (۱۳۹۷). *عکاسان ارمنی جهان از نیمه سده نوزدهم تا سده بیست و یکم میلادی*، ترجمه رافی آراکلیانس، *مجله پیمان*، ۲۲ (۸۸).
- چایچی امیرخیز، احمد و افضل زاده، پروین (۱۳۹۲). *دیمیتری یرماکف عکاس باستان شناسی و میراث فرهنگی*، تهران: سمیرا.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). *تاریخچه عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، چاپ اول تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ذکاء، یحیی و سمسار محمد حسن (۱۳۶۹). *تهران در تصویر*، جلد اول، تهران: انتشارات سروش.
- ستاری، محمد و سلامت، هوشنگ (۱۳۸۹). *عکاسی دوره قاجار و بومی سازی کاربردهای آن*، *فصلنامه فرهنگ مردم*، سال نهم، شماره ۳۵ و ۳۶ پاییز و زمستان، ۲۲۳ - ۲۰۳.
- سلماسی، کاتیا (۱۳۸۳). *شیشه‌های آشفته*، عکس‌های بر جا مانده، *مجله بخارا*، آذر و اسفند ۱۳۸۳ شماره‌های ۳۹ و ۴۰، ۲۴۸ - ۲۳۱.
- طهماسب پور، محمد رضا (۱۳۸۷). *ناصرالدین شاه عکاس، پیرامون تاریخ عکاسی ایران*، ویرایش دوم با افزوده‌ها، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فورمان کورین ی.م. (۱۳۷۹). *آنتوان سوروگین (۱۹۳۳-۱۸۴۰) عکاس محبوب در ایران و غرب در: ایران از نگاه سوروگین مجموعه عکس‌های اواخر قرن نوزدهم ایران، موزه ملی نژاد لیدن، هلند، تهران: انتشارات زمان*.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ق/۱۸۷۸ م)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- عبدامین، مجید و خلیلی، نسرين (۱۳۹۴). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از ربیع الاول ۱۳۰۸ تا ربیع الثانی ۱۳۰۹ ق*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران.
- عبدامین مجید و نسرين خلیلی (۱۳۹۵). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از ربیع الثانی ۱۳۰۹ تا صفر ۱۳۱۰ ق*، تهران: آفاق گستر کیمیا.
- عبدامین مجید، (الف) (۱۳۹۵). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از ربیع الثانی ۱۲۸۲ تا ربیع الاول ۱۲۸۳ ق*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- (ب) (۱۳۹۵). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از ربیع الاول ۱۲۸۳ تا جمادی الثانی ۱۲۸۴ ق*، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- (۱۳۹۶). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ ق*، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- (الف) (۱۳۹۷). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از صفر ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق*، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.



میرزای گلپایگانی، حسین (۱۳۷۸). تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی). تهران: نشر گلشن

نوین فرح بخش، فریدون (۱۳۹۲). راهنمای تمبرهای ایران، قاجار-پهلوی - جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر فرح بخش.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۵). تاریخ روابط خارجی ایران دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- (۱۳۹۷ ب). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، از جمادی الاول ۱۳۱۲ تا ذیقعد ۱۳۱۳ ق. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.

عدل، شهریار (۱۳۷۹). آشنایی با سینما و نخستین گام‌ها در فیلمبرداری و فیلم‌سازی در ایران ۱۲۷۷ تا حدود ۱۸۹۹/۱۲۸۵ تا حدود ۱۹۰۷ م. فصلنامه هنری طلاووس، ۶(۵) پاییز و زمستان.

References

Scheiwiller S.G. (2018). "Relocating Sevruguin: Contextualizing the Political Climate of the Iranian Photographer Antoin Sevruguin (C.1851-1933)" in the indigenous lens? *Early photography in the near and middle east*. Edited by: Markus Ritter and Staci G. Scheiwiller, De Gruyter, 145-169.

Vuurman – Achour, C.J.M. (2007). Dimitri Iwanowitsch Ermakov: Photography Across the Persian Border. In LA Ferydoun Bargesteh Van Waal Wijk Van Doorn et al, *Journal of the International Qajar Association*, Rotterdam, Santa Barbara, Tehran: IQSA:92-107.

De Herder H. (2007), "Ermakov Dimitry" in *Encyclopedia of Nineteenth-century Photography*, edited by: John Hannavy, CRC Press.

Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1896). *Каталог фотографических видов и типов*. [in Russian]

Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1901). *Каталог фотографических видов и типов*. [in Russian]

Halle a. S., Verlag von Wilhelm Knapp (1908). *Encyklopädie der Photographie*. Leipzig: Oktav, Lwd.

Perez Gonzalez Carmen (2012). *Local Portraiture, Through the Lens of the 19th – Century Iranian Photographers*. Amsterdam: Amsterdam University Press.